



## کلام رهبر



## سند آمایش آموزش عالی

### باید عملیاتی بشود

یک نکته مهمّ دیگر عبارت است از سند آمایش آموزش عالی. اینکه یکی از دوستان اشاره کردند که «اگر همه چیزهایی که مورد نظرمان است اولویت‌های ما باشند، معنایش این است که اصلاً اولویتی نداریم.» این حرف درست و حرف متین است.اینکه گفتند «ما در چندرشته صنعتی مشخصاً بروی آنها سرمایه‌گذاری انسانی و مالی و همت و توانایی‌های گوناگون بکنیم.» این کلاماً حرف درستی است. بنده یک وقتی در مورد ورزش این مطلب را گفتم؛ گفتم ما در دو سه رشته ورزشی می‌توانیم در دنیا یا اوّل باشیم یا دوم؛ خیلی خوب، برویم سراغ فوتبال؛ در بعضی از رشته‌های ورزشی نه، ما امید اوّل و دوم شدن نداریم؛ منظورم در ورزش‌های گناه کنیم ببینیم کدام رشته علمی، در کدام دانشگاه است. این زمینه هم همین جور است. نگاه کنیم ببینیم کدام رشته علمی، در کدام دانشگاه است. این زمینه کشور دارای اولویت است؛ آمایش علمی سرزمینی کشور به این معنا است. ما در کدام دانشگاه‌ها بایستی چه رشته‌هایی را دنبال بکنیم و روی آن سرمایه‌گذاری کنیم و از آنها پاسخ بخواهیم و مطالبه کنیم. این هم یک مسئله است که بایستی این سند تکمیل بشود و عملیاتی بشود و کار بشود.

۱۳ تیر ۱۳۹۴

## تربیون دانشجویی

## رانت یک تشکل دانشجویی

### در پردیس فارابی دانشگاه تهران

■ محسن کشاورزی\*

پردیس فارابی در شهر مقدس قم یکی از مجموعه‌های دانشگاهی متعلق به دانشگاه تهران است و خوشبختانه همچون دانشگاه تهران کیفیت مطلوبی دارد. اغلب دانشجویان از وضعیت صنفی رضایت دارند، شورای صنفی دانشگاه هم خوب کار می‌کند و فعال است و به لطف پیام رسان‌های اجتماعی با دانشجویان ارتباط مطلوبی دارد و مشکلات را پیگیری می‌کند. از طرفی ارتباط با مسئولان هم مناسب است و در کل می‌توان گفت که وضعیت صنفی دانشگاه در شرایط مطلوبی قرار دارد. اما یک مورد اعتراض صنفی که چندی پیش توسط دانشجویان صورت گرفت و منجر به شکل‌گیری مسئولان و دانشجویان ختم به خیر شد، دانشگاه تصمیم گرفته بود که در خوابگاه‌ها ابرای ساعت ۱۲ شب تا صبح ۶ بیدار و عبور و مرور را در آن ساعت ممنوع اعلام کند که با اعتراض و نارضایتی دانشجویان مواجه شد و تغییر نظر داد.

اگر چه وضعیت علمی دانشگاه مطلوب است و در سطح استان قم پردیس فارابی یکی از بهترین مجموعه‌های کامپیگ است و با دانشگاه‌مادری همچون دانشگاه قم در رقابت است، اما دانشجویان رشته‌های مهندسی آن از وضعیت اعضای هیئت علمی رضایت ندارند.

از طرفی دانشجویان رشته حسابداری هم با یک مشکل آموزشی روبرو هستند، اینده معتقدند مدیر گروه این رشته انطور که باید نتوانسته مدیریت کند و به دانشجویان لطمه‌هایی نظیر حذف واحد درسی آن هم در سبب ترم وارد شده است. البته دلیل این اعتراض و نارضایتی در مورد رشته ریاضی است، چرا که ایشان هم‌زمان معاونت اجرایی و دانشجویی پردیس را نیز بر عهده دارند. مشکل دیگری که دانشجویان با آن درگیر هستند و بیشتر یک مشکل عاطفی روحی است مسئله دانشجویان دانشگاه تهران است، دانشجویان پردیس فارابی عملاً دانشجوی دانشگاه تهران محسوب می‌شوند اما یک حس نابرابری دارند و مدام با این مسئله در گیر هستند که آنها در یک جزیره ساکن هستند و کسی به فکر آنها نیست و این موضوع فشارهای زیادی را از نظر روحی و روانی به دانشجویان تحمیل می‌کند که باید به آن رسیدگی شود. در بحث مسائل فرهنگی هم خوشبختانه وضعیت خوبی داریم. کانون‌ها و تشکل‌ها به خوبی فعال هستند اما برخی مشکلات وجود دارد که دانشجویان را خسته می‌کند، به‌عنوان مثال در پردیس فارابی ما شورای ناظر بر نشریات نداریم و اگر نشریه تخلف کند باید در تهران در موردش تصمیم‌گیری شود. از طرف دیگر در بعد مسائل فرهنگی مسئله رانت مطرح است. بگذارید راحت بگویم تشکل وابسته به انجمن اسلامی تهران در پردیس فارابی شب‌ساعت ۱۲ درخواست برنامه برای فردایش می‌دهد و برنامه‌نویس هم مجوز می‌گیرد، حال آنکه برای بقیه چنین نیست. حال بماند که در آن برنامه ساختار شکنی اتفاق می‌افتد و بیابانه سران فتنه قزاق می‌شود و محتوای برنامه هم در سایت‌های ضد انقلاب پوشش پیدا می‌کند که واقعا یک ظلم است.

■مسئول بسیج دانشجویی پردیس فارابی دانشگاه تهران

■ گزارش حسن رضایی

شاید به نظر خنده‌دار بیاید ولی سرنیدن این جمله حالا تبدیل به یکی از آرزوهای تعداد زیادی از شهروندان کشور شده است. تحصیل در دوره دکتری به جای آنکه نماد سختکوشی، تخصص و علم یک فرد باشد، کم‌کم خود را به صورت یک نوع جایگاه اجتماعی صرف معرفی می‌کندا مسئله‌ای که می‌تواند عواقب جبران ناپذیری بر پیشرفت علمی کشور داشته باشد. ساز و کار تحصیل در دوره دکتری نیز خود حکایت پر غصه دیگری است. عدم پژوهش محور بودن دوره دکتری بسیاری از دانشگاه‌ها در کنار ارتباط ضعیف و سمبلیک صنعت با دانشگاه، هر روز بسر مضطرب بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دوره دکتری می‌افزاید. به عقیده کارشناسان آموزش عالی، با وجود اشتیاق دانشجویان کارشناسی ارشد به تحصیل در دوره دکتری، ما در سال‌های آینده با معضلی به نام «سونامی دکتری» مواجه خواهیم بود. از این رو مدیریت ورود دانشجویان به دوره دکتری، یکی از مهم‌ترین موضوعات حال حاضر سیستم آموزش عالی کشور به حساب می‌آید.

■ اسبب‌های سیستم متمرکز

مسئله به همین سادگی که از آن حرف می‌زنیم، نیست. چند سال قبل بود که برای اولین بار، سیستم پذیرش متمرکز و با آزمون دانشجوی دکتری در سطح کشور اجرایی شد. مسئله‌ای که با انتقادات و البته حمایت‌های مختلفی روبرو شد. هر چه بود سیستم جدید پذیرش دانشجوی دکتری توانسته بود با کاهش نقش دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجوی افزایش نقش وزارت علوم در این زمینه، زمینه شکل‌گیری باندهای مخوف جذب هدفمند دانشجوی دکتری در برخی گروه‌های آموزشی را بگیرد. مسئله‌ای که در طول سال‌های متمادی تبدیل به یکی از دغدغه‌های اصلی دانشجویانی شده بود که احتمالاً آشنایی و دوستی خوبی با برخی اعضای منتقد هیئت علمی گروه خود نداشتند و در نتیجه از اعمال سلیقه شخصی آنها در پذیرش یا عدم پذیرش افراد به عنوان دانشجوی دکتری هراس داشتند. واقعیت آن بود که برخی افراد حاضر در گروه‌های آموزشی با سوءاستفاده از این موقعیت، زمینه تشکیل حلقه‌های بسته و نفوذناپذیر را در سطح یک محیط علمی فراهم کرده بودند.

■ ضرورت کنترل دانشگاه آزاد

مسئله دیگری که در این زمینه حائز اهمیت است، تعیین و تعریف سازو کار علمی برای مشخص

## پذیرش دانشجوی دکتری هدفمند می‌شود؟!‌

# سونامی دکتری در راه است!



■ طرح مجلس برای جذب دانشجوی

دکتری

طرحی در همین زمینه در سطح مجلس در دست بررسی قرار دارد. طرحی که قرار است تعیین تکلیف در زمینه تعیین تعداد پذیرش دانشجوی دکتری در هر دانشگاه را به یک هیئت تخصصی در وزارت علوم بسپارد. در صورت تصویب نهایی این طرح و تبدیل آن به قانون، هر دانشگاه تنها می‌تواند تعداد دانشجوی دکتری مورد نظر خود را به وزارت علوم پیشنهاد دهد و در نهایت این کمیته تخصصی وزارت علوم است که با این تعداد ارائه شده، موافقت یا مخالفت خواهد کرد و مجوز لازم برای پذیرش دانشجوی دکتری در هر دانشگاه را صادر خواهد نمود.

تصویب چنین طرحی در سطح مجلس، می‌تواند تا حدودی نوید مدیریت پذیر تر شدن پذیرش دانشجوی دکتری در سطح کشور را بدهد. طبیعتاً صورت معقول پذیرش دانشجو- آن هم در مقطع دکتری- همین خواهد بود. یعنی آنکه صرفاً تعیین تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی باید بر اساس نیاز کشور به امر پژوهش در هر زمینه خاص صورت بگیرد. وزارت علوم به عنوان یک نهاد فرادستی و کشوری و یکی از متولیان اصلی اجرای نقشه جامع علمی کشور، طبیعتاً آگاهی بیشتری در این زمینه دارد و می‌تواند با مقایسه زیرساخت‌های موجود در دانشگاه‌های مختلف، در زمینه تعیین سهمیه پذیرش تحصیلات تکمیلی برای هر دانشگاه، تصمیم بگیرد. البته اینکه این دانشجویهای جذب شده

کردن تعداد دانشجویان پذیرش شده در هر سال است. طبیعتاً قانومند کردن فعالیت دانشگاه آزاد در این زمینه، بیش از دانشگاه‌های دولتی مورد نیاز خواهد بود. چه اینکه سوابق مشخص تاریخی نشان داده است که این دانشگاه، در تعیین خط‌مشی‌های آموزشی خود به هیچ وجه موفق نبوده است. تعیین سوابق مشخص تاریخی از رشته‌های مختلف آزاد بالاگرفته است. از طرفی، این دانشگاه در سال گذشته، ظرفیت پذیرش دانشجوی دکتری را دو برابر کرد. تا آنجا که رئیس دانشگاه آزاد ظرفیت‌سازی قانونی برای تصویب رشته‌های دکتری از هدف‌گذاری جذب هدفمند دانشجوی دکتری در این دانشگاه گروه‌های آموزشی را بگیرد. مسئله‌ای که در طول سال‌های متمادی تبدیل به یکی از دغدغه‌های اصلی دانشجویانی شده بود که احتمالاً آشنایی و دوستی خوبی با برخی اعضای منتقد هیئت علمی گروه خود نداشتند و در نتیجه از اعمال سلیقه شخصی آنها در پذیرش یا عدم پذیرش افراد به عنوان دانشجوی دکتری هراس داشتند. واقعیت آن بود که برخی افراد حاضر در گروه‌های آموزشی با سوءاستفاده از این موقعیت، زمینه تشکیل حلقه‌های بسته و نفوذناپذیر را در سطح یک محیط علمی فراهم کرده بودند.

■ ضرورت کنترل دانشگاه آزاد

مسئله دیگری که در این زمینه حائز اهمیت است، تعیین و تعریف سازو کار علمی برای مشخص

## مهم‌ترین مصداق نفوذ در دانشگاه چیست؟ | تولید مقاله برای ISI بدون توجه به نیازهای کشور

دانشجویان و چه در اساتید محترم دانشگاه‌ها، یکی از مواردی است که در کنار همکاری با برخی پایگاه‌های علمی بین‌المللی، از نگاه ما مغفول مانده است. تا جایی که خبر از عدم انطباق ۷۰ درصدی تولیدات علمی کشور با نیازهای روز کشور می‌آید و تا جایی که اگر مجلات معتبر علمی داخلی خود را ورق بزنیم، کمتر به مواردی بر می‌خوریم که ورود به حوزه‌های جدید و مورد نیاز کشور باشند. این موضوع نه تنها در علوم ریاضی و تجربی به چشم می‌آید، بلکه در فضای علوم انسانی نیز به وضوح حس می‌شود. متلاد، حوزه مباحث فقهی و حقوقی اگر بخواهیم قدری تخصص کنیم خواهیم یافت که بسیاری از پایان‌نامه‌ها و مقالات تولید شده در فضاهای نظری محض و شاخه‌های جزئی این علوم وارد شده و خبری از ابواب جدید و منطبق بر زمان این علوم نیست. حال آن که حوزه فقه حکومت‌فقه ولایت و ولایت فقیه و... حوزه‌هایی است که هر چند به تا زگی وارد علوم فقهی و حقوقی شده‌اند، اما در همان میزان هم مهم هستند و جای کار دارند و می‌بایست در آنها تولیدات پژوهش‌های علمی به انجام برسد.

اما اگر بخواهیم در زمینه نسبت علم و نفوذ قدری دیگر بیندیشیم باید اذعان کنیم که شاید مهم‌ترین محور نفوذ در دانشگاه‌ها مسئله‌ای است که سال‌ها با آن در چالش قرار داریم و چه بسا از آن غافل شده‌ایم. آن هم مسئله‌ای نیست جز منابع درسی و کتب دانشگاهی.

■ منابع غربی شالوده درس‌های دانشگاه است

طبیعتاً شالوده دانشگاه، منابع درسی است که در دانشگاه تدریس می‌شود و تار و پود ذهنی و اندیشه‌ای دانشجویان را تشکیل می‌دهد. ما هر چند



دانشجویان و چه در اساتید محترم دانشگاه‌ها، یکی از مواردی است که در کنار همکاری با برخی پایگاه‌های علمی بین‌المللی، از نگاه ما مغفول مانده است. تا جایی که خبر از عدم انطباق ۷۰ درصدی تولیدات علمی کشور با نیازهای روز کشور می‌آید و تا جایی که اگر مجلات معتبر علمی داخلی خود را ورق بزنیم، کمتر به مواردی بر می‌خوریم که ورود به حوزه‌های جدید و مورد نیاز کشور باشند. این موضوع نه تنها در علوم ریاضی و تجربی به چشم می‌آید، بلکه در فضای علوم انسانی نیز به وضوح حس می‌شود. متلاد، حوزه مباحث فقهی و حقوقی اگر بخواهیم قدری تخصص کنیم خواهیم یافت که بسیاری از پایان‌نامه‌ها و مقالات تولید شده در فضاهای نظری محض و شاخه‌های جزئی این علوم وارد شده و خبری از ابواب جدید و منطبق بر زمان این علوم نیست. حال آن که حوزه فقه حکومت‌فقه ولایت و ولایت فقیه و... حوزه‌هایی است که هر چند به تا زگی وارد علوم فقهی و حقوقی شده‌اند، اما در همان میزان هم مهم هستند و جای کار دارند و می‌بایست در آنها تولیدات پژوهش‌های علمی به انجام برسد.

بعد از انقلاب فرهنگی تلاش زیادی را دیدیم که به دنبال اسلامی‌سازی دانشگاه بود، اما حقیقت آن است که توفیق این اتفاق آن چنان که باید و شاید نتوانست وارد منابع علمی شود و بیشتر در ظاهر امر باقی ماند. در واقع باید گفت بزرگ‌ترین خلأ‌حال حاضر نظام آموزش عالی کشور همین است که منابع علمی ما و مدار مطلقاً از نظام علمی غرب هستند و در قریب به اتفاق آنها جهان‌بینی مادی و ماتریالیستی کاملاً به چشم می‌آید. حال آن که جهان‌بینی علمی ما زمین تا آسمان با جهان‌بینی علمی غرب متفاوت است و ما با علم به اینکه این جهان‌بینی متفاوت است در دانشگاه‌هایمان علم ماتریالیستی تدریس می‌کنیم. دقیقاً مشابه آنچه در رابطه با اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود. ما امدار مطلقاً از نظام جای کار و پژوهش و تولید علمی بسیار احساس می‌شود، اما ما شاهد تدریس اقتصاد نئوکینزی در دانشگاه هستیم. یعنی کسانی که دارند اقتصاد غربی می‌خوانند قرار است با آن شالوده ذهنی متولی اقتصاد اسلامی شوند؛ امری که قطعاً محال است.

■ جای خالی اساتید اسلامی

با این اوصاف طبیعی است که نمی‌توان انتظاری از اساتید دانشگاه داشت که اسلامی بیندیشند و اسلامی‌علم‌ورزی کنند. ایشان هر چند قلباً بخواهند چنین کنند طبیعی است که به خاطر فقر علمی این موضوع و شالوده ذهنی‌ای که بر اساس علوم غربی ریخته شده، اساساً توان چنین برخوردی نداشته و ناگزیر به ادامه مسیر علمی و اجرایی خود در ساخت علم‌ورزی غربی و ماتریالیستی هستند.

باید اذعان کرد بزرگ‌ترین راه‌نفوذ در دانشگاه‌های کشور اسلامی ما فقدان منابع علمی‌ای است که منطبق با علوم اسلامی و جهان‌بینی اسلامی باشد. اینگونه است که دانشجویان ما غربی مطالعه می‌کنند، غربی تربیت می‌شوند و در آینده هم مسئولان، متولیان و اساتیدی می‌شوند که نگاهشان منطبق بر علم‌ورزی غربی است. باید گفت تا این سلسله‌ناکارآمد اصلاح نشده، اسیر نفوذ هستیم و نمی‌توانیم ادعا کنیم دانشگاهی اسلامی داریم. باید فایرداشته باشیم مسائلی نظیر اصلاح منابع علمی، اساتید دانشگاهی و ساختار آموزش عالی کشور- که بیشتر مدرک‌گرا است و تاکنندگی-بیش از مسائلی نظیر اروهایی مختلط و کنسرنت و مواد مخدر... خطرناک است و باید بیش از اکنون به فکر اصلاح این ماجرا باشیم.

# دانشگاه

### حرف استاد

## منتظر ند با تغییر هیئت جذب

### اساتید ارزشی را اخراج کنند



منان رضایی\*
عضویت علمی دانشگاه علم و صنعت

روال قانونی بسستن قراردادهای

یکساله است.

بهبانه‌هایی که مسئولان و ریاست دانشگاه برای این اقدامات غیرقانونی خود می‌تراشند این است که برخی از این اساتید نتوانسته‌اند بعد از پنج سال تبدیل وضعیت شوند یا این بهانه که اینها به‌صورت سرباز جذب شده‌اند و دلیلی ندارد که دانشگاه با این اساتید قرارداد تمدید کند. اینکه دانشگاهی استاد سرباز جذب می‌کند با این نیت است که بعد از دو سال آنان را جذب رسمی کند نه اینکه با بهانه‌های واهی از تمدید قرارداد طفره آورد.

بهبانه دیگری که برای عدم تمدید قرارداد تراشیده‌اند، آموزشی مشکلی از مشکلات کشور را مرتفع نمایند، باز هم در گرو برنامه‌ریزی کلان و تعیین نقش هر دانشگاه از سوی وزارت علوم و نهادهای فرادستی آن خواهد بود.

■ پذیرش بر اساس نیاز محوری

می‌توان یکی از دلایل تمدید شش ماهه قرارداد این اساتید را چنین عنوان کرد که مدیریت دانشگاه منظر تغییر ترکیب قرارداد اساتید جوان را تمدید نکند. یکی از دلایلی هم که به این اساتید تدریس داده نمی‌شود، بدین خاطر است که این اساتید امتیاز آموزشی مورد نیاز را کسب نکنند تا در آینده با این بهانه عذر این اساتید را بخواهند از تمدید قرارداد طفره برند.

### روایت دانشجویی



## فدای خنده بچها

■ زهرا محسنی فرد

«الان چه وقت بچه‌دار شدن بود آخه؟!...» این سؤالی است که تمام مادرها در روزها یا ماه‌های اول بچه‌دار شدن از خودشان می‌پرسند یا حداقل هم مادرهایی که درس و دانشگاه دارند از خودشان می‌پرسند. خلاصه دیر و زود دارد ولی سوخت و سسته ندارد. جوابش هم بعد از چند ساعت یا حداکثر چند روز- بسته به توان کودک برای خندیدن و شیرین‌کاری- این است که: همه چی فدای یه خنده بچه‌ام...

وقتی درست سه روز بعد از تمام شدن ۲۰ سالگی و سه ماه بعد از روز عروسی‌هم، متوجه شدم «حسام‌الدین» را بار دارم، هیچ خوشحال نشدم؛ چرا؟! چون در همان ترم اول که از دواج کردم، شرط گذاشته بودم تا لیسانس تمام نشده بچه بی‌بچه! از اینکه با من و من هم فرزندگی ماجرا را برای فامیلی می‌گفتم یک دو سه غصه داشتم. فکر می‌کردم دختر یک عقب ماندگام که عین مادر و مادر بزرگش در ۲۰ سالگی مادر شده، از اینکه هم‌دانشکده‌ای‌ایم، متوجه باردار‌ای‌ام بشوند وحشت داشتم. مادرشوکر مثل همیشه این جابر بود که به دادم رسید. تا هفت ماهگی هم جز چند نفری کسی یوتوب نبرد... و ترم تمام شد.

همان روز اول وقتی حسام‌الدین را بغل کردم و به چشم‌های بسته‌اش خیره شدم، وقتی می‌دیدم چطور با تمام ناتوانی‌اش در آغوش هیچ کس آرام نمی‌گیرد و فقط به من پناه می‌آورد، با خود زمزمه می‌کردم «همه‌چی فدای سرت مرد کوچک من...»

همسر، مادر، مادر شوهر و یک خانواده بسپج شده بودند تا من، هم در درس بخوانم و هم مادر خوبی باشم؛ ولی همه تکه‌های پازل آن روز جور جیده شده بود که باز سؤال همیشه‌ام به سرافهم بیاید... هوا آنقدر سرد بود که انگیزش‌م کبود شده بود. آنقدر به بچه لباس پوشانده بودم که نمی‌توانست نفس بکشد و یک ریز انگار مار نیش‌ش زده باشد گریه می‌کرد. برف می‌بارید و زمین لیز و خیس بود. می‌ترسیدم حسام از دستم بیفتد یا کیفش از دوستم بچرخ زمین شود. حسام با پشتکار قابل تحسینی بی‌قراری می‌کرد تا از دست کلاه و شال جلوی صورتش خلاص شود! تمام مسیر از خودم می‌پریدم «الان وقت بچه‌دار شدن بود آخه؟!»

مادر سر ماخورد بود و نمی‌شد بچه را به او سپرد. خانواده همسر هم سفر بودند و خودش هم که مثل همیشه سر کار. چوب‌خط غیبت‌هایم پر شده بود و باید هر طور که می‌شد این جلسه‌های آخر ترم را می‌رفتم.

دیر رسیدیم. بچه آنقدر گریه کرد که خواشش بر د، می‌خواستم بگذارمش در نمازخانه و بروم بسر کلاس، ولی همین که روی زمین گذاشتمش و از جا بلند شدم انگار می‌خواستم موسایم را به نیل ببندازم، دلم راضی نمی‌شد. بغلش کردم و تا جلوی در کلاس رفتم. کف دستم عرق کرده بود. داغ شده بودم. آرام با نوک انگشتانم در زدم و داخل شدم. سرم را پایین انداختم و کیفم را روی اولین صندلی گذاشتم و نشستم. آنقدر با تعجب نگاهم کردند که یاد سکانس آخر مریم مقدس افتادم. نگاهم هم حسام بود، که چشم‌هایش را باز کرد و تا من را دید بخیند زد؛ آنقدر شیرین که دوباره جواب همیشه‌گی خودش را به دلم رساند که «همه‌چی فدای خنده بچه‌ام.»